

چگونه انسان روابط خود

رابا (خدا) گسست؟!!

اثرات گوناگونی که گسستن این پیوند در زندگی انسانها گذاشت

دین و تاریخ :

ویل دورانت در کتاب «درسهای تاریخ،

(۱) تحت عنوان فوق چنین مینویسد :

«حتی مورخ شکاک هم فروتنانه در برابر دین تعظیم میکند، زیرا می بیند که دین در هر سرزمینی و هر عصری در کاراست ، و از آن گریزی نیست. دین برای تیره بختان ورنجدیدگان و محرومان تسلاهی فوق طبیعی آورده است. تسلاهی که در نظر میلیونها انسان، شریفت و ارزنده تر از هرگونه مساعدت طبیعی بوده است . معلمان و پدران و مادران را در تأدیب

تاریخ را مینگریم و اجمالی از آنچه که انسان خداپرست را به پرستش ماشین سوق داد، مورد بازشناسی قرار میدهیم و آنگاه در زمینهی ارزیابی مسائلی که باید بشناسیم به سؤال طرح شده در شماره پیش آگاهانه پاسخ میگوئیم و همینجا اضافه کنیم که خواننده محقق ما پیش از بررسی مسائل لازم که در این بحث جنبه زیر بنائی دارند نباید در پاسخ سؤال مزبور عجله کند که در اینصورت پاسخی جامع نخواهد بود ...

آینده بهتری به وجود آید، ایشان به این ستهای حمله میبردند و بدون هیچ ترسی آنها را دور می-افکندند. بعلاوه آنان نمونه و سرمشق از يك زندگی نجیبان و شریف در برابر مردم زمان خود قرار میدادند بطوری که سرمشق آنها تا مدت‌های دراز نسل اندر نسل صورت يك ایده آل عمومی را پیدا می‌کرد و الهام بخش يك زندگی عالی میشد ...

مذاهب و بنیانگذاران آنها در تاریخ جهان نقش بزرگی اجرا کرده‌اند و هرگز در موقع مطالعه تاریخ نمی‌توان این نقش عمده را نادیده گرفت . . .

این وضع و موقعیت پرشکوه کم‌کم روبرو خاتم گذارد و عواملی موجب شد که اعتقاد به خدا و به مبدء سازنده و خلاقه و حیات بخش، در مردم سست و بالاخره ناپدید شود آخر همین مذهبی که بقول نهر و برای توده‌ها زیبایی و شکوه به ارمغان آورد و بنیانگذارش «اززمره بزرگترین و نجیب‌ترین مردانی هستند که در دنیا بوجود آمده» (۳)؛ در دست اغلب پیروانش بصورت وسیله‌ی تیرگی، تنگ فکری و کوتاه نظری درآمد:

« با کم‌مذهب کارها و چیزهای بسیار عالی و بزرگ انجام گرفته است اما به نام مذهب نیز هزاران هزار و میلیون‌ها نفوس بشری کشته شده‌اند و جنایات مهیب و تصورناپذیر صورت گرفته است » (۴)

جوانان یاری کرده است. حقیرترین زندگی‌ها را معنی و شکوه بخشیده است. به مدد شعایر خود میثاقهای بشری را به صورت روابط با مهابت «انسان و خدا» در آورده، و از این راه استحکام و ثبات به وجود آورده است ...

نهر و در کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» (۲) می‌گوید:

« ... در حدود قرن ششم پیش از میلاد می‌بینیم که يك عده از مردان بزرگ، متفکران بزرگ و بنیان‌گذاران مذاهب در کشورهای مختلف از چین و هند گرفته تا ایران و یونان پیدا شدند . . . مثل اینکه در آن زمان يك موج فکری در سراسر جهان به حرکت آمده بود .

يك موج عدم رضایت از اوضاع و احوال موجود، امید و آرزو برای به وجود آمدن يك وضع بهتر و رضایت بخش تر در همه جا مشهور بود .

در واقع بنیان‌گذاران بزرگ مذاهب همیشه در جستجوی يك زندگی بهتر بوده‌اند و میکوشیدند که مردم زمان خودشان را تغییر بدهند و زندگانی آنها را بهتر سازند و از تیره روزیشان بکاهند .

همه آنها مردان بزرگ انقلابی بودند

که از حمله بردن به وضع فاسدی که در زمانشان وجود داشت باکی نداشتند. هر وقت و هر جا که سنتهای قدیمی به سوی انحراف و نادرستی متمایل شده بود و هر جا که این سنتها مانع آن می‌شد که

۲ - ترجمه محمود نفضلی ج ۱ جاب چهارم / صفحه ۸۹

۳ و ۴ - نهر و / نگاهی به تاریخ جهان / ج ۱ صفحه ۹۲

همانند همه سوء استفاده‌ها که از وسائل ارزنده و سازنده شده است .

در حال بنیان کلیسا با حملات ناسیونالیستها و شکاکان از یک سو و ضعف اخلاقی از سوی دیگر در هم ریخت، خدام کلیسا غالباً کسانی بودند متعصب، پول دوست و زیاده طلب ...

فرانسه که به قدرت رسید دستگاه پاپی را وسیله نیل به اهداف سیاسی خود ساخت، پادشاهان چنان مقتدر شدند که توانستند پاپ را به انحلال فرقه «یسوعیان» (که با فداکاری بسیار در تحکیم موقعیت پاپ کوشیده بود) مجبور سازند !

کلیسا قدح خود را با افسانه‌ها و معجزات مشکوک در راه فریب و نیرنگ افتاد، احکامی که قدرت مطلقه‌ی پاپ را قدمت و قدوسیت می بخشید جعل کرد و دادگاه تفتیش افکار (Inquisition) به نحوی مهلك کلیسا را بی آبرو ساخت .
و در نتیجه خدای پرستی صفات ذاتی خود را از دست

داد و واحد يك وضع تشریفاتی و صورتی تنزل کردا چنین معلول فاجعه انگیز، علت‌های دیگری نیز داشت که اصلاح دینی پروتستان و بعد کثرت فرقه‌های این مذهب از جمله‌ی آنها است و همچنین نهضت «خدای پرستان» انگلیس که دین را تا حد اعتقادی مبهم و تاریک کاهش داد و بطور کلی آشکار سازی نیرنگ‌های دینی و تفتیشها و قتل عام‌های تاریخی مسیحیت و سرانجام مبدل شدن نظام کشاورزی به نظام صنعتی !

و بر آنچه که شمردیم باید اینها را نیز افزود :
پیشرفت جسورانه تعالیم شکاکان ، هجوم همه جانبه نهضت روشنفکری فرانسه ، طغیان پاریس بر ضد کلیسا در خلال انقلاب فرانسه ، کشتارهای دسته جمعی غیر نظامیان در جنگ‌های جدید و عاقبت پیشرفتهای وحشتناک تکنولوژی علمی جدید که به انسان نوید قدرت مطلق داد و ماوراء طبیعت را به مبارزه طلبید ؟ !

۵ - در کلیسای کاتولیک رومی، نام چند سازمان بوده است که به قصد برافکندن بدعت ! در دین مسیح تشکیل شده بود :

سازمان تفتیش افکار قرون وسطایی در اوایل قرن سیزدهم تأسیس شد و دامنه‌ی عملش در شمال ایتالیا، در آلمان و ... بود . این سازمان محکومین خود را بیشتر با حبس و مصادره اموال مجازات میکرد .
سازمان تفتیش افکار اسپانیا که مستقل از سازمان نخستین بود، در قرن پانزدهم تأسیس شد . دستگاه آن بسیار مجهز و شدت عملش بسیار بود ، سرانجام در نیمه‌ی اول قرن نوزدهم منحل گردید .

سازمان تازه‌ای که در نیمه اول قرن شانزدهم با نام «مجمع تفتیش افکار» یا «اداره مقدس» از سازمان قرون وسطایی به وجود آمد . این سازمان نیز سرانجام برچیده شد، و آنچه امروز در بار پاپ باقی مانده است «مجمع دربار مقدس» ! خواننده میشود که فقط درباره مسائل ایمانی و بدعت و برخی از ازدواجها و سانسور کتابها تصمیم میگیرد !

کاسته باشد. وسایل نقلیه مافوق العاده ترقی کرده است، اما بعضی از ما این وسایل را در راه جنایت و نابودی هموعان خود به کار میبریم، سرعتمان را دو برابر و سه برابر و صد برابر میکنیم، اما در خلال آن اعصاب خود را خرد میکنیم، روشهای جراحی و معالجه طب جدید را ساخت میستاییم و از آن خرسندیم. البته به شرط آنکه عوارضی به همراه نیاورند که از اصل بیماری بدتر باشد. پشتکار پزشکان را در غلبه بر میکروبیهای سرسخت و بیماری نوظهور ارج مینهیم و بخاطر سالهایی که علم طب بر عمر ما افزوده است شاکریم. باز بشرط آنکه این سالها ادامه توانفرسا و ناگوار بیماری و ناتوانی و افسردگی نباشد. قدرت خبرگیری و خبررسانی روزانه و در سطح جهانی را صدها برابر افزایش داده ایم، اما گاهی نیز به اجداد خود غطبه میخوریم که آرامش و سکونشان تنها از اخبار روستاشان به هم می خورد... سرمستیم و شاد که خود را از بند دین رها نکرده ایم اما آیا اخلاقی به وجود آورده ایم که بتواند امیال جنسی و سزیه جوئی و مال اندوزی ما را مهار کند، و تمدنمان را از گردن بی عفتی و جنایت و طمع ورزی در امان نگه دارد؟ آیا واقعاً دیگر تعصب نمی ورزیم یا تعصب دینی را به تعصبات ملی و مرآمی و نژادی تبدیل کرده ایم؟ ... (۶)

حال با چنین وضعی درباره آینده تمدن بشریت چگونه ننگریم؟ نسبت به آینده بدین باشیم یا

انقلاب صنعتی نهادهای مذهبی را به نهادهای مادی تغییر داد، تعلیم و تربیت که روزی در قلمرو مذهب از خدا الهام میگرفت، امروز کارزان و مردانی است که نه درسک روحانیتند و نه حرمت دین را میشناسند و یاغیان جوانی را ادب می آموزند که جز از پلیس از کسی نمیترسند، مدارس عالی که روزی به سازمانهای مذهبی پیوسته بود، امروز در تسخیر بازارگانان و تکوکراتها در آمده است. ترویج اعتقادات ماوراء طبعی و اخلاقیات جای خود را به تبلیغ میهن پرستی، کاپیتالیسم و کمونیسم داده است، در روزهای مقدس تعطیل، تماشاخانهها و مراکز فساد و آلودگی پر از جمعیت است، معابد و کلیساها در روزهای یکشنبه و جمعه بازارشان کسادتر از سایر روزها است!

هرچه جنبه های انسانی قوانین آشکارتر میشود و هرچه از ضمانت اجرا و نظارت الهی این قوانین کاسته میگردد، بیشتر رنگ میازند و نفوذشان کمتر میشود، نسل بی لجام امروز (جزعه قلیلی که به ستهای انسانی پایبندند) به تجمل و فساد و آشفته گی خانوادگی و اخلاقی روی آورده اند...

و بالاخره پیشرفتهای خیره کننده تکنولوژی با محسناتی که دارد مضاری را نیز همراه داشت که متأسفانه به این زیانها کمتر توجه شده و یا اصلاً نشده است:

ویل دورانت میگوید: «تسهیلات و آسودگیهای امروز بسا که از بنیه جسمانی و استحکام اخلاقی ما

حتی در اوج ثروت و قدرت ظاهری این سؤال بر لب آدمیان نشکفتد که آخر حاصل این همه چیست؟ باور نداریم که اگر تمدن کنونی را از سقوط و زوال گزیر و گریزی نباشد، باز در آخرین لحظه، وجدان بشری بیدار نشود و راهی تازه را، راهی در جهت يك تمدن مبتنی بر فرهنگ و اخلاق و انسانیت، جويا و پويا نگردد» (۷)

اشتباه نکنید، ما هنوز در موقف پاسخگوئی به سؤال مورد بحث قرار نگرفته ایم، فعلا در صدد بازشناسی دو جهت «باوری» و «نا باوری»: «بدینی» و «خوشینی» هستیم تا بینیم تاریخ و اوضاع جاری جوامع فعلی در کدام جهت مارا مدد خواهد نمود و این مسأله ایست که در شماره های آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

خوشبین؟ آیا اعلام ماشینهای حسابگر (کامپیوتر) انستینوی تکنولوژی ما ساچوست را باور کنیم و مایوسانه و مضطربانه در انتظار مرگ انسان و تمدن در صد سال آینده باشیم؟

آیا سخن کنت Conte راست است که عصر فلسفه و تفکر فلسفی بسر آمده است؟ و آیا پیش بینی گویو Cuyau درست از کار در میآید که جهان آینده از مذهب تهی است و ارزشهای عالی اخلاقی محکوم به سقوط است؟

یا اینکه نه نسبت به آینده امیدوار باشیم و با یکی از دست به قلمان پیشرو و خوشبین خودمان هم- آوا گردیم و فریاد بر آوریم که: «باور نداریم که تمدن بتواند بدون فرهنگ بقا یابد، باور نداریم که بشریت در کمال غنا و رفاه مادی بتواند از حیات معنوی و اخلاقی بکلی مستغنی شود، باور نداریم که

خدا به اینها کمک می کند

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

سه دسته اند که یاری آنان بر خدا حتم است.

۱ - مجاهدان راه خدا

۲ - برده ای که در راه آزادی خود کوشش می کند.

۳ - کسی که به منظور عفت و پاکی ازدواج می نماید.

«ثلاثة، حق علی الله تعالی عونهم المجاهد فی سبیل الله

والمکاتب الذی یرید الاداء و الناکح الذی یرید العفاف ...»

حدیث ۱۲۱۹ - نهج الفصاحه